

**Iranian women and the labyrinth of entering the sphere of politics**

Abstract

Despite the increase in awareness and expansion of women's higher education and the sharia and legal structures that require their political agency in Iran, women's agency in politics is limited and therefore it seems that women face obstacles to enter this field. The purpose of this article is to understand the obstacles for women to advance in politics from their perspective. In order to achieve the purpose of the research, interpretive-critical approach, content analysis method and individual interview technique (35 people) and focus groups (4 groups of four) were used. Based on the results of this study, four themes of masculine hegemonic politics, the notion of feminine temperament, the impossibility of pure politicking and the domination of hegemonic masculinity values were extracted. In addition, the results of the study indicate three important points: 1. In discussing the barriers to women's agency in the field of politics, the important point is the lack of religious barriers and legal-cultural barriers and the lack of social model in this area. 2. In today's world, there is no universal normative model of women's political agency; So that it shows the desired level and it seems that this issue is greatly influenced by the historical and cultural background of each society. 3. Obstructing the presence of women in politics and the homosexuality of this field is one of the most important reasons for the increase of destructive confrontations in the political space and power field.

**Keywords:** Women and politics, masculine hegemonic politics, perception of feminine temperaments, impossibility of pure politics and domination of hegemonic masculine values.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۰۸۸-۳۱۰۹

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.332699.3205>

زنان ایرانی و هزار توی ورود به سپهر سیاست

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

زینب مرادی نژاد<sup>۱</sup>

محمد تقی کریمی قهی<sup>۲</sup>

سعیده امینی<sup>۳</sup>

چکیده

با وجود افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی زنان و ساختارهای شرعی و حقوقی - قانونی ایجاب‌کننده عاملیت سیاسی آنها در ایران، عاملیت زنان در عرصه سیاست محدود است و لذا به نظر می‌رسد زنان جهت ورود به این حوزه با موانعی رو به رو هستند. هدف مقاله حاضر فهم موانع پیش‌روی زنان برای ورود به عرصه سیاست از منظر آنها بوده است. به منظور نیل به هدف تحقیق از رویکرد تفسیری - انتقادی، روش تحلیل مضمون و تکنیک مصاحبه فردی (۳۵ نفر) و گروه‌های کانونی (۴ گروه چهار نفره) استفاده شد. براساس نتایج این پژوهش چهار تم سیاست ورزی هژمونیک مردانه، پنداشت از خلیقات زنانه، عدم امکان سیاست ورزی ناب و استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک استخراج گردید. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاکی از سه نکته مهم بوده است: ۱. در بحث موانع عاملیت زنان در قلمرو سیاست، نکته حائز اهمیت نبود موانع شرعی و قانونی - حقوقی و وجود مانع فرهنگی - تاریخی و فقدان الگوی اجتماعی در این زمینه است. ۲. در دنیای کنونی یک الگوی هنجاری جهان‌شمول در مورد میزان عاملیت سیاسی زنان وجود ندارد؛ به طوری که حد مطلوب آن را نشان دهد و به نظر می‌رسد این مسئله تا حد زیادی متأثر از پیشینه تاریخی و فرهنگی هر جامعه است. ۳. ایجاد ممانعت برای حضور زنان در عرصه سیاست و تک جنسیتی شدن این عرصه، یکی از مهمترین دلایل افزایش تقابل‌های مخرب در فضای سیاسی و میدان قدرت است.

واژگان کلیدی: زنان و امر سیاسی، سیاست ورزی هژمونیک مردانه، پنداشت از خلیقات زنانه، عدم امکان سیاست ورزی ناب و استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی z.moradinezhad@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) - گروه مطالعات زنان mt.karami@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی - گروه جامعه‌شناسی saeedeh.amini280@gmail.com

## بیان مسأله

در دنیای کنونی از عاملیت در قلمرو سیاست، به عنوان یکی از زیربنا و بنیاد توسعه سیاسی کشورها یاد می‌شود. «در ادبیات توسعه سیاسی، عاملیت و مشارکت، دموکراسی و برابری مفهوم‌سازی شده است و این مفاهیم به عنوان اصول برگشت‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌شود. بر این اساس، عاملیت سیاسی هم نتیجه وجود آزادی و توسعه سیاسی در جامعه و هم عامل استقرار، حفظ و بقای آن است و بدین لحاظ هم شرط لازم برای توسعه سیاسی و اجتماعی یک جامعه و هم نتیجه آن به حساب می‌آید» (دونوان، ۱۹۸۶: ۳۲۱ به نقل از پناهی، ۱۳۸۶: ۹).

اما باید توجه داشت که عاملیت سیاسی زنان در جامعه نیازمند رشد آگاهی و دانش آنهاست که به طور کلی می‌توان به دو نقطه عطف به عنوان سرآغاز آن در جهان اشاره کرد: در وهله اول، وقوع انقلاب صنعتی و رشد تغییرات در سطح جهان بود که باعث شد، شیوه‌های سنتی کسب و کار تغییر پیدا کند و دفاع از حقوق زنان مرسوم گردد (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۸۸). به طوری که زنان با وقوع انقلاب صنعتی با ماشین‌های جدید و در کارخانه به کار مشغول شدند. علاوه بر این، حضور زنان در کارخانه‌ها به آنها احساسی از هویت جمعی را بخشید که پیش‌تر نمی‌توانستند آن را تجربه کنند. کسانی که نقطه اتصال خود را جنسیت خویش می‌دانستند و می‌خواستند حقوق مبتنی بر آن را از جامعه دریافت کنند. در وهله دوم، وقوع جنگ جهانی اول بود که پس از آن زنان توانستند به حق رای دست یابند و بدین ترتیب مسیر برای حضور آنها در حوزه عمومی هموارتر شد (وحیدی راد، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

براساس داده‌های تاریخی در دست، می‌توان گفت احترامی که برای زنان در ایران قائل می‌شدند و موقعیتی که بر آنها در نظر می‌گرفتند، به نسبت سایر ممالک هم عصر خود، بهتر بوده است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: پوران خاتون، مادر حسن میمنندی مشهور به حسنگ وزیر که مشاور فرزندش در امر وزارت بود (فقیهی، ۱۳۹۳: ۲۲). ترکان خاتون، همسر ملک‌شاه سلجوقی، از زنان توانای تاریخ ایران که در مسائل سیاسی مشاور همسرش بود (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۰۵) و بسیاری از زنان دیگر تاریخ ایران که در عرصه سیاست حضور داشته‌اند.

درخشان‌تر از این موارد، در پیروزی انقلاب اسلامی است که بانوان دوشادوش مردان و با حضور خود در تمام صحنه‌ها نقش آفرین بودند و حتی فراتر از این مورد، در اکثر انتخابات سهم زنان رای‌دهنده از مردان بیشتر است و چه بسا بسیار پر شورتر از مردان در مقام رای‌دهندگی ظاهر می‌شوند ولی در سطوح بالاتر حضور و مشارکت‌شان در واقع سازگار و همخوان با حضور و مشارکت مردان نیست.

آنچه در تمامی وقایع گفته مورد توجه است این مسئله است که چرا زنان در تمامی رخدادهای نقشی تبعی و پیرو و یا پشت صحنه داشته‌اند؟ چرا خود به تنهایی و بدون حضور مردان اقدامات مثمر ثمری در عرصه سیاست انجام ندادند و همواره در حاشیه و یا حتی پشت سر مردان به فعالیت خود ادامه داده‌اند؟

علاوه بر این، با رواج رویکردهای فمینیستی متعدد، زنان موقعیت، جایگاه و نقش خود را مورد بازاندیشی قرار دادند. در این عرصه زنان ایرانی از این بازاندیشی بی‌بهره نبوده‌اند و آنها نیز در مسیر تجدید حیات فکری خود گام‌هایی برداشته‌اند؛ بدین معنا که در این فرایند توسعه فرهنگی و انتقال به جامعه بازاندیشانه مدرن، در مورد نقش‌های اجتماعی مختلف خود تأمل کردند. در جامعه مذکور نقش زنان عمدتاً به نقش‌هایی در درون خانواده محدود نمی‌شود و از مهمترین نقش‌های یک زن در این شرایط جدید، نقش سیاسی او است. اهمیت این نقش در عصر جدید و همراهی آن با دو مسئله دیگر مبین آن است که در ایران باید عاملیت سیاسی زنان و به ویژه وجه مشارکت سیاسی آنها رخ دهند و سطح این عاملیت و مشارکت تنها محدود به شرکت در انتخابات نباشد: مسئله اول به این امر اشاره دارد که طی چند دهه گذشته زنان جامعه ایران تحولاتی را از سر گذرانده‌اند. با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آنها توانمندی‌های خود را ارتقا داده‌اند. همچنین سطح بازاندیشی آنها نسبت به نقش‌های مادری و همسری صرف و ماندن در خانه و پرداختن به امورات خانواده، بالا رفته و خود را مستحق حضور در عرصه عمومی به‌ویژه سپهر سیاست می‌دانند. مسئله دوم مربوط به بستر و زمینه عاملیت سیاسی زنان در جامعه به لحاظ شرعی و حقوقی - قانونی در جامعه مهیا شده است. چنان‌که به کرات در تاریخ اسلام مواردی وجود دارد که زنان بزرگی همچون حضرت خدیجه، حضرت فاطمه و حضرت زینب و دیگر بانوان مسلمان با مشارکت فعال در صحنه‌هایی که ضرورت می‌یافت، از طریق خطابه، مبارزه و حمایت از مقام رسالت و امامت و ولایت، نقش‌های موثری ایفا می‌کردند. علاوه بر این، در اصل بیستم قانون اساسی چنین آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند و اصل بیست و یکم نیز دولت را بر تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی موظف کرده است.

بر این اساس، علی‌رغم افزایش آگاهی و گسترش آموزش آنها و مهیا بودن بستر و زمینه بروز عاملیت سیاسی، کنشگری آنان در عرصه سیاست محدود است و به لحاظ سیاسی و مدیریتی در فضایی نابرابر با مردان به سر می‌برند؛ زیرا زنان در مقیاس‌هایی مانند نسبت درصدی کرسی‌های مجلس در اختیار آنها، نسبت درصدی زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصدی زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان متخصص کشور و نسبت درصدی سهم زنان از درآمد تحقق‌یافته، اوضاع مناسبی نیست و در خصوص دسترسی به ساخت قدرت، بسیار ضعیف هستند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). به عبارتی به نظر می‌رسد که سطح حضور و عاملیت زنان در سپهر سیاست در ایران در حال حاضر پایین است.

بر این اساس، با وجود این مسئله که ممکن است فهم و درک زنان از عاملیت سیاسی متفاوت باشد<sup>۱</sup> ولی آنها برای تحقق این عاملیت با چالش‌هایی مواجه هستند. بنابراین آنچه مقاله حاضر قصد مطالعه آن را دارد این سوال است که زنان چرا به وجود ساختارهای ایجاب‌کننده مشارکت سیاسی، آن چنان که باید مشارکت سیاسی متنوعی ندارند یا عاملیت سیاسی حداقلی دارند؟ به عبارت دیگر، بر پایه فهم زنان موانع پیش‌روی آنها برای ورود به سپهر سیاست کدامند؟

پناهی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان» چنین بیان می‌دارد که هدف آن ارائه نظریات مربوط به مشارکت سیاسی زنان و به کارگیری آنها برای بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان و عوامل موثر بر آن، با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه‌ای از زنان شهر تهران بزرگ است. سوال اصلی پژوهش این است که زنان ایرانی پس از گذشت بیست و اندی سال از انقلاب اسلامی تا چه حد در سرنوشت سیاسی جامعه مشارکت می‌کنند؟ چه عواملی سبب شده است که آنان از این صحنه دوری گزینند؟. مرادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان: مورد مطالعه شهر کرمانشاه» انجام داده است. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که متغیرهایی مثل سن، میزان آرایش، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، وضعیت شغلی همسر، محل تولد و اوقات فراغت بر عاملیت زنان تأثیر معناداری دارد. جنیدی و سنگی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «موانع و چشم اندازهای مشارکت سوژه‌ی زنان در امر سیاسی ایران (نمونه مطالعاتی: دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی)» که با روش تحلیلی-توصیفی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که عدم هم‌افزایی سطوح مختلف ساختارهای اقتصادی، ساختار سیاسی و فرهنگی موجود با تحولات ناشی از جهانی شدن و توانمندسازی زنان، موجب استمرار گفتمان مسلط مردسالاری و ضعف عاملیت زنان در امر سیاسی ایران شده است. رودز (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی زنان در اندونزی: تمرکزگرایی، سیاست‌های پولی و حافظه جمعی در بالی» انجام داد. این مقاله استدلال می‌کند که عوامل پیشرو موثر بر سطوح پایین مشارکت سیاسی زنان در بالی عبارتند از: سیاست‌های پولی گسترده، نهادهای مرسوم و هویت‌های محلی از طریق تمرکززایی و خاطره جمعی از انحلال خشونت آمیز جنبش زنان اندونزی (گروانی) در سال‌های ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵. لورنزینی و باسولی (۲۰۱۶)؛ در پژوهشی با عنوان «ایدئولوژی جنسیتی: آخرین مانع برای مشارکت زنان در مصرف‌گرایی<sup>۲</sup> سیاسی» چنین بیان داشتند که در ادبیات کنونی موانع مشارکت زنان در حوزه سیاست توجه کمی به تفسیر زن و مرد در جامعه شده است. آنها در این پژوهش که با روش مصاحبه انجام شده بود بر این عقیده بودند که اگرچه شکاف جنسیتی در رابطه با اشکال خاص مشارکت، مانند مصرف‌گرایی، در حال معکوس شدن است، برخی نابرابری‌ها همچنان باقی است و مطالعه ما به درک تفاوت‌های مشارکت در میان خود زنان کمک می‌کند. سیوتی (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «شرایط سیاست: عاملیت سیاسی زنان از طبقه پایین در جامعه معاصر شمال هند» چنین بیان می‌دارد که در این مقاله به تحلیل شرایط ساختاری و فرهنگی عاملیت سیاسی زنان از طبقه پایین در شهری شمال هند پرداخته است و نشان می‌دهد که اگر رضایت و حمایت مردان از فعالیت‌های زنان وجود داشته باشد، چگونه مرزهای ظاهراً «ظالمانه» خانوار به جای فضاهای بیرونی، به آغازگر فعالیت‌های سیاسی زنان تبدیل خواهد شد و در غیر این صورت به یک مانع جدی تبدیل می‌گردد.

در خوانش انتقادی پژوهش‌های داخلی می‌توان به این مسئله پی برد که پژوهش‌های مذکور، به موانع عینی ورود زن به عرصه سیاست پرداخته‌اند، در حالی که چنانچه موضوع پژوهش سوژه باشد باید به موانع ذهنی نیز پرداخته شود. بنابراین مقاله حاضر بر آن است تا به فهم ذهنیت و تفسیر زنان در مورد موانع پیش‌رو جهت ورود به قلمرو سیاست اشاره کند؛ چرا که با توجه به مبحث عاملیت زنان، اقتضا بر این است که تفسیر و درک آنها نیز مورد توجه قرار گیرد. البته پژوهش‌های خارجی، در این زمینه ذهنیت

زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. از این‌رو، دغدغه مقاله حاضر این است که با رویکرد تفسیری - انتقادی درصدد شناخت موانع پیش‌روی زنان جهت ورود به عرصه سیاست از زاویه فهم ذهنیت و تفسیر آنها برآید؛ تا بدین وسیله خلأ موجود در پژوهش‌های گفته شده را مرتفع نماید.

#### چارچوب مفهومی

از آنجا که میدان مطالعه کنشگری سیاسی زنان یک میدان پیچیده و غامض است، به نظر می‌رسد لازم است قبل از ورود به آن، جهت مطالعه هر چه دقیق‌تر یک چشم‌انداز اختیار کرد. بر این اساس پژوهشگران از دو دیدگاه فمینیسم رادیکال (کیت میل) و کارول گیلیگان دو مفهوم "درک از نابرابری جنسیتی و تعارض دیگر خواهی و قدرت" استفاده کرده‌اند.

فمینیست‌های رادیکال تمام ساختارهای وجودی جهان را «مردانه» می‌دانستند و بر این باور بودند که ریشه نابسامانی‌های جهان از عواقب «مردانه» بودن آن است (دانب، ۱۹۷۰: ۵۰). کیت میل<sup>۲</sup>، یکی از نظریه‌پردازان شاخص فمینیسم رادیکال در کتاب خود، سیاست جنسی<sup>۳</sup> که نام آن ربط میان سیاست و جنس را القا می‌کند، چگونگی مبتنی شدن نظام سلطه را بر اصل پدرسالاری برمی‌شمرد. از نگاه او در هر شرایطی وقتی گروهی به گروه دیگر سلطه دارد و آن را رهبری می‌کند، رابطه میان آنها سیاسی خواهد بود و هنگامی که چنین رابطه‌ای از نظر زمانی طولانی شود، یک ایدئولوژی تدوین خواهد کرد. اما فارغ از تنوع این ایدئولوژی‌های گوناگون، «تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در طول تاریخ پدرسالار بوده‌اند و ایدئولوژی بنیادین همه آنها سلطه مذکر بوده است (میل، ۱۹۷۰: ۱۱۱). از نظر فمینیست‌های رادیکال، همان‌گونه که پدرسالاری نظامی عام و فراگیر است مبارزه با آن نیز باید عام باشد. با از میان بردن نظام پدرسالاری است که انسانیت راستین به منصف ظهور می‌رسد و آرمان شهر فمینیستی شکل می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۰). از این‌رو می‌توان گفت، نظام پدر سالاری و مرد سالاری درصدد برتری دادن به ارزش‌های مردانه و پست جلوه دادن ارزش‌های زنانه در تمامی حوزه‌ها اعم از حوزه سیاست است. با توجه به این‌که وضعیت زنان و مردان به لحاظ دسترسی به فرصت‌ها و منابع به گونه‌ای است که نابرابری جنسیتی به وضوح قابل مشاهده است؛ در چنین شرایط نابرابری جنسیتی، زنان برای ورود به عرصه سیاست خود را با چه موانعی رو به رو می‌بینند؟

علاوه بر این، دغدغه کارول گیلیگان، رشد اخلاقی زنانه و تفاوت آن با رشد اخلاقی مردانه بوده است. به باور وی، از آنجا که شیوه استنتاج اخلاقی زنان با مردان چندین تفاوت مهم دارد، نمی‌توان مقیاس رشد اخلاقی کلبرگ را به منزله معیاری عام و جهانشمول برای ارزیابی پیشرفت اخلاقی هر دو گروه مردان و زنان قبول نداشت (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۶۶). از این‌رو، گیلیگان در کتاب خود به نام «با صدایی متفاوت»<sup>۴</sup> (۱۹۸۲)، بیان تازه‌ای از رشد و تحول اخلاقی از دیدگاه زن ارائه نموده است (شیبلی هاید، ۱۳۸۴: ۸۵). در واقع به عقیده گیلیگان، مردان معمولاً خود را موجودی مختار و جدا از دیگران می‌پندارند در حالی که زنان خود را موجودی می‌دانند که هویت‌شان وابسته و گره خورده به دیگران است و نمی‌توانند از دیگران جدایی داشته باشند (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۶۳). گیلیگان در پی مطالعات خود، مراحل برای تحول اخلاقی زنان ارائه می‌دهد که محوریت آن بر روابط بین فردی و فداکاری است و شامل سه سطح و دو گذرگاه است: سطح اول: بقای فردی (پیش عرفی): در این سطح، گذرگاه اول یعنی گذرگاه خودمحوری به سوی

مسئولیت‌پذیری وجود دارد. سطح دوم: ارزش قائل شدن برای فداکاری (مراقبت متعارف): در این سطح، گذرگاه دوم یعنی گذرگاه حرکت از فداکاری به سمت عزت نفس پیش می‌رود. فقدان تمایز بین آنچه دیگران می‌خواهند و آنچه درست است. سطح سوم: اخلاق بدون خشونت (فراعرفی): مراقبت به اصل خود انتخابی تبدیل می‌شود و شخص منافع خود و دیگران را با هم ترکیب می‌کند و به مرحله‌های اخلاق راه می‌یابد. این سطح به معنای اهمیت دادن به دیگران و خود و از اهمیت دادن به مراقبت دیگران بهره‌مند شدن است (گیلیگان، ۱۹۹۳: ۱۰۴). بر پایه خوانش گیلیگان، مردان معمولاً خود را موجودی مختار و جدا از دیگران می‌پندارند در حالی که زنان خود را موجودی می‌دانند که هویت‌شان به شدت با دیگران گره خورده است. بنابراین می‌توان گفت، زنان بنا به هویت پرستارانه و مراقبتی خود و همچنین خصلت دگر خواهانه بودن‌شان چگونه با دنیای سیاست می‌توانند ارتباط برقرار کنند؟ به عبارت دیگر، آیا زنان خلقیات جنسیتی خود (هویت مراقبتی) را مانعی بر سر راه ورود به قلمرو سیاست می‌دانند؟

### روش پژوهش

مقاله حاضر با رویکرد تفسیری - انتقادی و روش تحلیل تماتیک<sup>۶</sup> درصدد پاسخگویی به پرسش پژوهش است. داده‌ها و اطلاعات از افراد نمونه در ارتباط با موضوع مقاله با استفاده از دو تکنیک مصاحبه فردی نیمه‌ساخت یافته و مصاحبه گروه‌های کانونی گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان ۲۵ سال به بالا تحصیل کرده لیسانس و بالاتر در شهر تهران است که درکی از امر سیاسی دارند و یا در عرصه سیاست حضور داشته‌اند، است که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. جهت تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده پس از تبدیل به متن نوشتار چندین مرتبه مرور شده و به شیوه تحلیل مضمون، دلالت‌های آشکار و مکنون در نظرات مصاحبه‌شوندگان بر مبنای هر یک از محورهای مورد نظر استخراج گردید. بدین شیوه که در ابتدا مفاهیم اولیه استخراج شد. در گام بعد مفاهیمی که بین آنها هم‌پوشانی مشاهده شد در قالب یک مفهوم آورده شد و مفاهیم ثانویه حاصل گردید. در گام سوم و تفسیر مفاهیم به دست آمده تم‌های فرعی مورد کاوش قرار گرفت و در نهایت هفده تم فرعی به چهار تم اصلی تقلیل یافت. منطبق با رویکرد گوبا و لینکون (۱۹۸۲)، به جای اعتبار و روایی کمی از معیار اعتماد پذیری یا قابلیت اعتماد<sup>۷</sup> استفاده شده که خود در بردارنده چهار معیار مجزا اما مرتبط به هم شامل باورپذیری، اطمینان پذیری، تأیید پذیری و انتقال پذیری است. جدول ذیل تعداد مصاحبه‌شوندگان را به تفکیک اطلاعات زمینه‌ای نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱) اطلاعات زمینه‌ای جمعیت نمونه پژوهش

اطلاعات زمینه‌ای						
وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	نوع مصاحبه و کدها مصاحبه شونده

مجرد	کارمند	بالا	روابط بین الملل	کارشناسی ارشد	۳۷	۱	مصاحبه های فردی
مجرد	مدرس دانشگاه	پایین	روابط بین الملل	دکتری	۳۷	۲	
متأهل	دبیر	پایین	زبان و ادبیات فارسی	دکتری	۳۵	۳	
مجرد	دبیر	پایین	تاریخ	کارشناسی ارشد	۳۸	۴	
متأهل	کارمند	متوسط	علوم سیاسی	دانشجوی دکتری	۴۶	۵	
متأهل	کارمند	بالا	علوم سیاسی	کارشناسی ارشد	۴۷	۶	
متأهل	هیئت علمی بازنشسته و دبیر کل مجمع زنان اصلاح طلب	بالا	مدیریت استراتژیک	دکتری	۶۵	۷	
متأهل	بیکار	پایین	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۳	۸	
متأهل	نماینده سابق مجلس و مشاور معاون رئیس جمهور در امور بانوان	بالا	علوم سیاسی و مطالعات بین الملل	کارشناسی ارشد	۵۵	۹	
متأهل	مدرس دانشگاه	متوسط	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۳	۱۰	
متأهل	کارمند	پایین	برنامه ریزی شهری	کارشناسی	۴۵	۱۱	
متأهل	عضو سابق شورای شهر تهران	بالا	علوم سیاسی و علوم ارتباطات	دکتری	۵۸	۱۲	



متاهل	نماینده سابق مجلس و عضو سابق شورای شهر تهران	بالا	مدیریت	کارشناسی	۶۱	۱۳
متاهل	عضو شورای مرکزی و قائم مقام مجمع زنان اصلاح طلب و عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی و فعال حوزه های سیاسی	بالا	مدیریت محیط زیست	دکتری	۵۹	۱۴
متاهل	پژوهشگر	متوسط	جامعه شناسی	دانشجوی دکتری	۳۲	۱۵
متاهل	کارمند	متوسط	مدیریت فرهنگی	کارشناسی ارشد	۴۳	۱۶
مجرد	وکالت	متوسط	حقوق ثبت اسناد و املاک	کارشناسی ارشد	۳۲	۱۷
متاهل	بیکار	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۵	۱۸
مجرد	کارمند	متوسط	علوم ارتباطات	کارشناسی ارشد	۴۰	۱۹
مجرد	پژوهشگر	متوسط	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۲	۲۰
متاهل	کارمند	بالا	حسابداری	دکتری	۳۱	۲۱
مجرد	کارمند	متوسط	اقتصاد	دکتری	۳۵	۲۲
مجرد	بیکار	متوسط	برنامه ریزی رفاه اجتماعی	کارشناسی ارشد	۳۵	۲۳
متاهل	کارمند	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دکتری	۳۷	۲۴

مجرد	بیکار	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۷	۲۵		
متاهل	استاد مدعو	متوسط	رفاه و سیاستگذاری اجتماعی	دکتری	۳۹	۲۶		
مجرد	کارمند	بالا	حقوق عمومی	دانشجوی دکتری	۲۷	۲۷		
مجرد	بیکار	پایین	علوم تربیتی	دانشجوی دکتری	۳۵	۲۸		
مجرد	کارمند	بالا	مدیریت دولتی	دانشجوی دکتری	۳۵	۲۹		
مجرد	کارمند	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۷	۳۰		
متاهل	کارمند	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۷	۳۱		
متاهل	نماینده دور قبل تهران و هیئت علمی بازنشسته	بالا	علوم سیاسی	دکتری	۶۵	۳۲		
متاهل	هیئت علمی	بالا	روانشناسی	دکتری	۴۲	۳۳		
مجرد	کارمند	بالا	جامعه شناسی گرایش بررس مسائل اجتماعی	دانشجوی دکتری	۴۷	۳۴		
متاهل	پژوهشگر	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۸	۳۵		
مجرد	بیکار	پایین	روابط بین الملل	کارشناسی ارشد	۳۰	۳۶	گروه اول	

متأهل	بیکار	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۴۰	۳۷	مصاحبه های گروهی
متأهل	کارمند	بالا	مهندسی ایمنی و بازرسی کار	دکتری	۴۵	۳۸	
مجرد	کارمند	متوسط	مدیریت مالی	کارشناسی ارشد	۲۸	۳۹	
مجرد	مدیر بازاریابی و استاد مدعو	بالا	بازاریابی	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۰	
مجرد	کارمند	متوسط	روابط بین الملل	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۱	
مجرد	کارمند	متوسط	اقتصاد	دانشجوی دکتری	۳۱	۴۲	
متأهل	دبیر	متوسط	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۲	۴۳	
متأهل	کارمند	بالا	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۴۵	۴۴	
متأهل	کارمند	بالا	علوم سیاسی	کارشناسی ارشد	۳۹	۴۵	
مجرد	بیکار	بالا	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۶	
مجرد	استاد مدعو	متوسط	زبان و ادبیات عرب	دانشجوی دکتری	۳۸	۴۷	
متأهل	کارمند	متوسط	مدیریت	کارشناسی ارشد	۴۰	۴۸	
مجرد	مدرس دانشگاه	بالا	فلسفه	دانشجوی دکتری	۳۸	۴۹	

مجرد	بیکار	پایین	مدیریت	کارشناسی ارشد	۳۰	۵۰		
مجرد	کارمند	متوسط	زبان و ادبیات عرب	کارشناسی ارشد	۳۸	۵۱		

میانگین مدت زمان مصاحبه، ۳۰ دقیقه بوده که یا به صورت حضوری و یا به صورت مجازی انجام شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه اثبات از طریق مثال<sup>۱</sup> توصیف شده و مصادیق هر یک از مضمون‌ها به عنوان اشکالی از «تعاملات اجتماعی» (فی، ۱۳۸۱) ارائه گردید. بدین ترتیب با ذکر بخش‌هایی از متن مصاحبه، سعی بر آن بود تا برداشت‌های منحصربه‌فرد هر یک از مصاحبه‌شوندگان با محورهای موردنظر حفظ گردد.

یافته‌های پژوهش

در این مقاله، بر مبنای نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها موانع پیش‌روی زنان برای ورود به سپهر سیاست نشان داده شده است. در ادامه بخشی از یافته‌های پژوهش را که به نظر می‌رسد توصیف‌کننده ذهنیت زنان مورد مطالعه در کلیت آن باشد، ارائه خواهد شد:

جدول شماره ۲) تم‌های اصلی و فرعی مستخرج از متن مصاحبه

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی
سیاست ورزی هژمونیک مردانه	عدم تمایل مردان برای پذیرش شرکای جدید در عرصه قدرت
	مقاومت ذهنی مردان در برابر عاملیت زنان در عرصه سیاست
	عدم اعتماد مردان به دخالت زنان در سیاست
پنداشت از خلیقیات زنانه	قلت خوداتکائی زنان
	قلت عزت نفس زنان
	عاطفی بودن زنان
	قلت جسارت در زنان
	هویت مراقبتی زنان
عدم امکان سیاست ورزی ناب	تعارض نقشی زنان

محدودیت مالی زنان	استیلاي ارزش های مردانگی هژمونیک
کلیشه های جنسیتی	
قلت آگاهی و دانش سیاسی	
نداشتن قدرت چانه زنی و لابی گری زنان	
عدم حمایت خانواده و اطرافیان از زن	
عرف‌های سازگار با برتری مردان	
تفسیرهای برتری جویانه مردان از شرع	

#### ۱. سیاست ورزی هژمونیک مردانه

هژمونی مفهومی است که به توصیف نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر اشاره دارد. از جمله مفاهیم کلیدی در مطالعات جنسیت در دهه‌های اخیر «مردانگی هژمونیک»<sup>۹</sup> است. این مفهوم به ویژه در آثار ریون کانل<sup>۱۰</sup> مورد توجه است. مردانگی هژمونیک به تحت سیطره نگه داشتن زنان و جلوگیری از قدرت گرفتن آنان اشاره دارد و یا به تعبیری مردانگی هژمونیک مربوط به ترس از پرواز زنان اشاره دارد (دونالدسون، ۱۹۹۳). از نگاه کانل، مردانگی هژمونیک در ارتباط با مشروعیت پدرسالاری مطرح می‌شود و همواره به دنبال آن است که موقعیت مردان را تضمین کند. مطابق با شرایط اجتماعی در حال تغییر، شکل مردانگی هژمونیک نیز ثابت نیست. تم سیاست ورزی هژمونیک مردانه به اثرات سنت دیرینه پدرسالاری در جامعه و درونی شدن آن در تفکر مردان اشاره دارد که به واسطه ایدئولوژی پدرسالارانه تقویت می‌گردد. از این دیدگاه، پایگاه و وضعیت زنان در خانواده بازتاب پایگاه و وضعیت زنان در جامعه است (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۲). براساس نظریه پدرسالاری، موقعیت زنان پیامد رابطه ناعادلانه قدرت میان زن و مرد است. ساختار پدرسالارانه، با خود الگوهایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش و هنجار و رفتار را به وجود می‌آورد و این امر را نهادینه می‌سازد که از زن فرمان بردن انتظار می‌رود (گلس، ۱۹۸۸: ۴۵). به دلیل غلبه این دیدگاه در جامعه، نگرشی در مردان شکل می‌گیرد که نسبت به زنان برتری دارند و باید بر آنها مسلط باشند و این چیرگی خواهی، آنها را به این سمت سوق می‌دهد که تنها مردان هستند که شایسته ورود به عرصه سیاست‌اند. آرا (۲۰۱۹) در پژوهشی بر این عقیده بود که سیاست همیشه تحت سلطه مردان بوده است. مفهوم سنتی سیاست فعالیت سیاسی را صرفاً در عرصه عمومی و محدود به مردان می‌داند در حالی که حوزه خصوصی زندگی خانوادگی غیرسیاسی و امن را زنانه تلقی می‌کند.

عده‌ای از زنان مورد مصاحبه سیاست ورزی هژمونیک مردانه را با تعبیر «عدم تمایل مردان برای پذیرش شرکای جدید در عرصه قدرت» تفسیر کرده‌اند. به زعم آنها بحث حسادت مردان به این موضوع که زنان نباید به حوزه سیاست وارد شوند؛ چرا که این صحنه را مختص به خود می‌دانند یک مانع جدی است که راه زنان را به عرصه قدرت و سیاست سد کرده است. برخی از پاسخگویان

با تعبیر «مقاومت ذهنی مردان در برابر عاملیت زنان در عرصه سیاست» به مسئله سیاست ورزی هژمونیک مردانه اشاره کرده‌اند. از جمله نحل‌های عملگرای فمینیستی که از دهه هفتاد میلادی به بعد ظاهر گردید، فمینیست‌های پست مدرن هستند. آنان نظریه «مردان و زنان با تعاریف جدید» را پیشنهاد می‌کنند و به تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و محیط اجتماعی اعتقاد دارند (تانگ، ۱۳۸۷: ۵۵ - ۶۴). این نکته را می‌توان در تعبیر برخی از مصاحبه‌شوندگان دید که معتقد بودند نوع نگاه مدیران مرد به زنان زیر مجموعه خود یکی از عواملی است که مانع از ورود زنان به عرصه سیاست شده است. در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، سیاست ورزی هژمونیک مردانه را با تعبیر «عدم اعتماد مردان به دخالت زنان در سیاست» تفسیر کرده‌اند. به عقیده آنها، این مسئله که دولتمردان و صاحب منصبان حکومتی به توانایی زنان جهت ورود به صحنه قدرت و سیاست اعتقاد ندارند، یکی از موانع مهم ورود زنان به این حوزه هست. مصاحبه‌شونده شماره شانزدهم در این باره چنین بیان داشته است:

«به نظر می‌رسد عدم اعتماد دولتمردان به دخالت زنان در سیاست یکی از عواملی است که مانع از حضور زنان در عرصه سیاست؛ در صورتی که اگر این اعتماد به وجود بیاید و زنان بتوانند در عرصه سیاست باشند برای پیشرفت کشور هم خوب همیشه حضور زنان در حوزه سیاست.»

## ۲. پنداشت از خلیات زنانه

تم پنداشت از خلیات زنانه به نقضان‌های زنان و خود اظهاری آنها اشاره دارد، اما نه به معنای ذات‌گرایانه و با رویکردی روان‌شناسانه؛ بلکه این موضوع را می‌توان با اتخاذ یک چشم‌انداز جامعه‌شناسانه تفسیر نمود. بدین معنا که رشد و تقویت نقصان‌ها و خلیات زنان ناشی از روند متفاوت اجتماعی - سیاسی شدن آنها نسبت به مردان است. اجتماعی شدن ممکن است پسران و دختران را وادار کند که به روشی جداگانه نسبت به شرایط غیر قابل تشخیص واکنش نشان دهند (تاکر، ۱۹۹۹: ۵). آرا (۲۰۱۹) در پژوهشی چنین بیان داشته است که استدلال می‌شود که اجتماعی شدن در دوران کودکی ممکن است منجر به نگرش‌های سیاسی متفاوت و تفکیک بین جنسیت‌ها شود و باعث ایجاد علاقه یا عدم علاقه به سیاست شود (فریدکین و کنی، ۲۰۰۷: ۱۳۹). اتکسون و راپورت (۲۰۰۳: ۵۱۸) به اجتماعی شدن جنسیتی به عنوان دلیل احتمالی برای سطوح پایین عاملیت سیاسی زنان اشاره می‌کنند. زنان در سطح جهانی در نقش جنسی اجتماعی قرار می‌گیرند که مطیع‌تر، پیروی از قوانین و همدلی است، در حالی که مردان یاد می‌گیرند که قاطعانه، اجتماعی و خودکفا باشند (سایپرو، ۱۹۸۳: ۳۸) این مسئله باعث تقویت این دیدگاه می‌شود که سیاست یک امر مردانه است. از این‌رو، تم پنداشت از خلیات زنانه به کاستی‌هایی اشاره دارد که در نتیجه نحوه اجتماعی شدن آنها برایشان حاصل گشته است و در نهایت موجب می‌شوند تا زنان میدان عاملیت سیاسی خود را صرفاً به شرکت در انتخابات به مثابه رای دهنده تصور کنند. برخی از پاسخگویان پژوهش برای بحث پنداشت از خلیات زنانه از تعبیر «قلت خود اتکائی زنان» استفاده نموده‌اند. خود اتکائی فرایندی پویا و فراگیر و یکی از ارزش‌های مثبت است که شخص به خاطر تجربه‌های قبلی، به توانایی‌ها و استعداد‌های خود در انجام کارها به طور موفقیت آمیز اعتماد و باور دارد (حورایی، ۱۳۹۷). خود اتکائی تقابلی از سه پدیده باور، رفتار و احساس است. اگر چه نقطه

شروع اتکا به نفس باورهای مثبت و پیش برنده است، هر یک از این سه، چون اضلاع یک مثلث بر دو ضلع دیگر اثر می‌گذارد (کراهیم و همکاران، ۲۰۱۷). زنان باید برای ورود به عرصه سیاست به خود اتکائی رسیده باشند. هر چند فراگرد اجتماعی شدن باعث شده است این خصیصه در زنان کمتر شکل بگیرد. در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، پنداشت از خلیقات زنانه را با تعبیر «قلت عزت نفس زنان» تفسیر کرده‌اند. عزت نفس یا همان خود بزرگواری یکی از مباحث مهم در امر بهداشت روانی است که خصوصیات مهم و اساسی شخصیت هر فردی را تشکیل داده و روی سایر جنبه‌های اثر می‌گذارد (اصلائی فر و همکاران، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد زنان برای ورود موفق به عرصه قدرت و سیاست باید به عزت نفس دست یافته باشند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره بیستم در این باره چنین ابراز داشته است:

*«از دیگر موانع می‌توان به نداشتن عزت نفس زنان اشاره کرد. برای عرصه بیرونی در مقابل عرصه خصوصی و به ویژه عرصه سیاست فرد باید عزت نفس بسیار زیادی داشته باشد تا بتواند موفق شود. ولی ما رو با عزت نفس تربیت نکردن.»*

برخی از نمونه پژوهش حاضر، با تعبیر «عاطفی بودن زنان» بحث پنداشت از خلیقات زنانه را تفسیر کرده‌اند. اغلب تصور بر این است که سیاست را حرفه‌ای بی رحم و خشن می‌دانند که به روحیات زنانه آسیب وارد می‌کند و زنان نمی‌توانند افرادی مناسب برای کشورداری و سیاست‌گذاری باشند. حیدری و همکاران (۱۳۹۷) نیز احساسی و عاطفی بودن زنان را به عنوان یکی از موانع حضور آنها در میدان سیاست برشمردند. عاطفی و آسیب‌پذیر بودن زنان، به شیوه و فراگرد اجتماعی شدن زن برمی‌گردد که زنان عاطفی پرورش یافتند. برخی از نمونه پژوهش حاضر، با تعبیر «قلت جسارت در زنان» بحث پنداشت از خلیقات زنانه را تفسیر کرده‌اند. همان‌طور که فمینیست‌های لیبرال نیز در مورد جامعه‌پذیری و یادگیری نقش‌های جنسیتی سخن گفته‌اند و بر این باور بوده‌اند که باید در تبیین عدم حضور زنان در بسیاری از عرصه‌ها از جمله عرصه سیاست به آثار جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران اشاره کرد (باقری، ۱۳۸۲؛ ۱۵۶). به زعم مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهمترین موانع زنان برای ورود به عرصه سیاست، نداشتن جرأت و جسارت است؛ چرا که به طور معمول خانواده‌ها همیشه ویژگی جسارت را در دختران سرکوب و در پسران پرورش می‌دهند. پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «هویت مراقبتی زنان» به پنداشت از خلیقات زنانه اشاره کرده‌اند. براساس دیدگاه گلیگان، اخلاق در زنان و دختران بر محور حقوق و قواعد متمرکز نیست بلکه بیشتر بر روابط بین فردی و یک نظام اخلاقی مبتنی بر همدردی، شفقت و ترحم استوار است. به زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان هویت مراقبتی، پرستارانه، دگر خواهانه و ترجیح دیگری بر خود زنان در صورتی است که عرصه سیاست یک عرصه به شدت فردگرایانه است و این امر ناشی از فراگرد اجتماعی - سیاسی شدن زنان است.

۳. عدم امکان سیاست ورزی ناب

سیاست ورزشی واژه‌ای ترکیبی از دو کلمه «سیاست» و «ورزیدن» در فرهنگ‌های لغت فارسی، به معنای انجام دادن، مرتکب شدن و ... می‌توان بیان داشت (انوری، ۱۳۸۲؛ ۲۵۵۵). سیاست ورزشی به معنای هر اقدام و عمل سیاسی فرد یا افراد در حوزه سیاست است. برای آن که سیاست ورزشی به صورت تمام و کمال و به عبارتی به صورت ناب صورت پذیرد فرد سیاست ورز باید ملزوماتی از جمله قدرت چانه‌زنی و حضور تمام وقت در میدان سیاست با خود داشته باشد. پاسخگویان پژوهش در مواردی در قالب تعبیر «تعارض نقشی زنان» به مسئله موانع حضور زنان در عرصه سیاست اشاره کرده‌اند. تغییر و تحولات دنیای کنونی در حوزه افزایش آگاهی و دانش موجب گردیده است که آنها افزون بر نقش همسری و مادری، نقش شغلی نیز دارند. اما در پاره‌ای موارد، زمانی که زن نتواند بین انتظارات نقش‌های خویش تعادل برقرار نماید دچار نوعی ناهمخوانی به نام تعارض کار / خانواده می‌شود (آیکان، ۲۰۰۵). از این رو به نظر می‌رسد از آنجایی که زن سیاستمدار نمی‌تواند همزمان و به طور تمام و کمال در هر دو حوزه فعالیت داشته باشد، بنابراین فرصت سیاست ورزشی ناب نیز برای وی امکان‌پذیر نیست. پژوهش‌های متعددی (شاعی مقدم، ۱۳۸۴، مافی، ۱۳۸۴ و مقصودی و بستان، ۱۳۸۳) صورت گرفته است که نشان می‌دهد زنان همواره در فعالیتهای درون و بیرون منزل با تضاد و تعارض نقش روبه‌رو هستند. شیمز (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به توزیع نابرابر مسئولیت مراقبت از خانه و محدودیت‌های زمانی زنان اشاره می‌کند. در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، عدم امکان سیاست ورزشی ناب را با تعبیر «محدودیت مالی زنان» تفسیر کرده‌اند. مسئله در دوره فعلی تا حد زیادی به واسطه کسب علم و دانش توسط زنان و ورود به بازار کار کاهش پیدا کرده است اما آنها همچنان برای وارد شدن به عرصه سیاست به حد کافی توانایی مالی و استقلال اقتصادی ندارند. مگواپر (۲۰۱۸) در پژوهشی یکی از مهمترین موانع زنان برای ورود به عرصه سیاست را عدم توانایی مالی برای تأمین منابع مورد نیاز جهت نامزدی در انتخابات و انجام تبلیغات لازم می‌داند. عده‌ای دیگر از نمونه پژوهش در مواردی در قالب تعبیر «کلیشه‌های جنسیتی» به این امر اشاره کرده‌اند. یکی از موارد مهمی که حتی امروز و به رغم جهانی شدن و تغییرات فرهنگی، در اکثر جوامع (با شدت و ضعف متفاوت) در جریان است، بحث کلیشه‌های جنسیتی است. به زعم عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان، کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه امکان پذیرش این مسئله را که زن حتی برای یک مدیریت جزئی به کار گرفته شود، فراهم نمی‌کند تا این که به وی یک منصب سیاسی مهم بدهند. عده‌ای دیگر از مصاحبه‌شوندگان با مفهوم «قلت آگاهی و دانش سیاسی» به عدم امکان سیاست ورزشی ناب اشاره کرده‌اند. آگاهی سیاسی یک فرد دربرگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی او از مسائل خاص سیاسی و یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است (داوسون، ۱۳۸۲؛ ۵۰). حیدری و همکاران (۱۳۹۷) نیز عدم آگاهی و برخورداری از دانش سیاسی زنان را به عنوان یکی از موانع حضور آنها در میدان سیاست برشمرده‌اند. بر پایه اظهارات مصاحبه‌شوندگان، زنان به میزان کافی از آگاهی و دانش سیاسی جهت ورود به این عرصه برخوردار نیستند و این مسئله به نظر می‌رسد نشأت گرفته از نوعی عقب‌نگه‌داشتی تاریخی زنان در عرصه سیاست در ایران باشد. تعدادی از پاسخگویان پژوهش، بحث عدم امکان سیاست ورزشی ناب را با تعبیر «نداشتن قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری زنان» تشریح کرده‌اند. به باور برخی از مصاحبه‌شوندگان، زنان نمی‌توانند از ابزار لابی‌گری استفاده کنند و این مسئله یک مانع جدی برای ورودشان به عرصه سیاست و سپس موفقیت‌شان در این عرصه است؛ چرا که زنان با توجه به شیوه متفاوت فراگرد



اجتماعی - سیاسی شدنشان نتوانسته‌اند قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری را در خود پیروانند. این مطلب در اظهارات مصاحبه‌شونده شماره بیستم چنین آمده است:

«از دیگر موانع درونی می‌تونیم به نداشتن قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری زن در عرصه سیاست اشاره کنیم. عرصه سیاست عرصه‌ای است که برای پیشرفت هر چه بیشتر باید قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری بالایی فرد داشته باشد. اما باید دقت کرد که چون زنان فاقد تجربه تاریخی در عرصه سیاست هستند توانایی لابی‌گری رو هم پیدا نکردن.»

برخی از مصاحبه‌شوندگان با تعبیر «عدم حمایت خانواده و اطرافیان از زن» به عدم امکان سیاست‌ورزی ناب اشاره کرده‌اند. به باور آنها یکی از دلایل عدم همراهی خانواده و اطرافیان این است که زنان با ورودشان به عرصه پر مشغله و پر گرفتاری سیاست دیگر نمی‌توانند همچون سابق به وظایف همسری و مادری خود بپردازند و از این‌رو از زنان نه تنها حمایت نکرده بلکه از ورود آنها نیز به عرصه سیاست جلوگیری به عمل می‌آورند.

#### ۴. استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک

استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک، به این مسئله اشاره دارد که ساختارهای موجود در جامعه، ارزش‌های مرتبط با مردان را برتری بخشیده است. از دیدگاه سازه‌گرایان، مردانگی و زنانگی سازه‌های اجتماعی - فرهنگی هستند که در جامعه به وجود می‌آیند اما برخی از عرف‌ها و یا در پاره‌ای موارد تفاسیری که از شرع می‌شود، سلطه را به ارزش‌های مردانگی می‌بخشد. از این‌رو، تم استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک به وجود ساختارهای مردانه و متصلبی در جامعه اشاره دارد که مانع از حضور زن در عرصه سیاست می‌شود. در ساختار خانوادگی / اجتماعی پدرسالارانه، مردان در جایگاه رهبری و قدرت و زنان در جایگاه‌های پست قرار دارند. از دید سیلویا والبی جامعه‌شناس فمینیست، مردسالاری نظامی از ساختارها و عمل اجتماعی است که در آن مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند و آنان را استثمار می‌کنند (والبی، ۱۹۹۰: ۲۱۴). به زعم مصاحبه‌شوندگان، ساختارهای اجتماعی به نحوی سامان پیدا می‌کنند که اصل برتری مردان در ابعاد اجتماعی مختلف محقق شود. هم‌چنان که حضور هژمونی پدرسالارانه در جامعه به عنوان یکی از موانع حضور زنان در عرصه‌های مدیریت و سیاسی در پژوهش‌های دیگر نیز اشاره شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷).

در بین نمونه پژوهش حاضر، برخی نیز استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک را با تعبیر «عرف‌های سازگار با برتری مردان» تفسیر کرده‌اند. به بیان دیگر، مسأله‌ای مانند مسأله زنان الزاماً تمام ابعادش مرتبط با قانون نیست و در واقع باید گفت بخش بزرگی از آن با قانون ارتباطی ندارد. آنچه برای ورود زنان به عرصه سیاست ممنوعیت ایجاد کرده است به خود جامعه و برتری ارزش‌های مردانه است، برمی‌گردد. شماره سیزدهم در این مورد چنین اظهار داشته است:

«چون در کشور ما عرف تأثیر می‌ذاره و من اسمشو قوانین نانوشته یا سلاقی می‌ذارم که حتی در قانون نویسی هم در کشور ما موانع خیلی جدی را پیش‌روی زنان ایجاد کرده. قوانین نانوشته و توافقات پشت صحنه‌شون که همون عرف هستن باعث میشه حقوق خانم‌ها بسیار پایمال میشه.»

تعدادی از پاسخگویان پژوهش، بحث استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک را با تعبیر «تفسیرهای برتری جویانه مردان از شرع» تشریح کرده‌اند. در قرآن و نصوص دینی، اصل و مبنای آفرینش انسان‌ها و اعطای حقوق بدان‌ها بر مبنای حقیقت آدمی و شئون انسانی انسان‌ها است و جنسیت نقشی در اعطای حقوق فطری و طبیعی ندارد. بر اساس تحلیل و تبیین جایگاه قومیت در آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء»، بدین نتیجه می‌توان رسید که این آیه به روابط زن و مرد در خانواده مربوط است و به هر حال از آیه مزبور حکم به برتری مردان بر زنان را نمی‌توان صادر کرد؛ زیرا چنین برداشتی با مفاد سایر آیات قرآن کریم منافات دارد (عظیمی مهرآبادی و مرادخانی، ۱۳۹۷: ۵).

#### نتیجه‌گیری

دنیای کنونی از عاملیت در قلمرو سیاست، به عنوان بنیاد توسعه سیاسی کشورها یاد می‌شود. با گسترش ارتباطات جهانی و ظهور گفت‌وگوهای جنسیتی رقیب در عرصه جهانی و رواج رویکردهای فمینیستی متعدد با زاویه دید متنوع، زمینه بازاندیشی درباره جایگاه و نقش خود برای زنان ایرانی نیز فراهم شد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد به دو دلیل در ایران باید عاملیت سیاسی زنان رخ دهند: (۱) با توجه به افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی زنان، دیگر نمی‌توان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت. (۲) بستر و زمینه عاملیت سیاسی زنان در جامعه به لحاظ شرعی و حقوقی - قانونی در جامعه مهیا شده است.

اما علی‌رغم با وجود این دو مسئله، به نظر می‌رسد که سطح حضور و عاملیت زنان در سپهر سیاست در ایران در حال حاضر پایین است. از این‌رو، آنچه منجر به آغاز این مقاله گردیده، این است که زنان چرا به رغم وجود ساختارهای ایجاب‌کننده مشارکت سیاسی، آن چنان که باید مشارکت سیاسی متنوعی ندارند و موانع پیش‌روی آنها کدامند؟ بر پایه اظهارات مصاحبه‌شوندگان، چهار تم سیاست ورزی هژمونیک مردانه، پنداشت از خلیقات زنانه، عدم امکان سیاست ورزی ناب و استیلای ارزش‌های مردانگی هژمونیک استخراج گردید.

به طور کلی نتیجه‌گیری مقاله حاضر را می‌توان در سه نکته بیان نمود:

۱. در بحث موانع حضور و عاملیت زنان در قلمرو سیاست، نکته حائز اهمیت نبود موانع شرعی و قانونی - حقوقی و وجود مانع فرهنگی - تاریخی است. به بیان دیگر، در حال حاضر عامل اصلی که سد راه عاملیت سیاسی زنان در ایران شده، موانع فرهنگی و نبود الگوی اجتماعی در این زمینه است. بدین معنا که شیوه متفاوت روند اجتماعی - سیاسی شدن زنان در ایران نوعی عقب‌نگه‌داشتی تاریخی زنان در عرصه را به همراه داشته است. به عبارتی می‌توان گفت، به نظر می‌رسد در مورد حاکمیت مردان در

عرصه سیاست در ایران نوعی قوانین نانوشته عرفی وجود دارد که مانع از حضور زنان در این قلمرو شده است. از این رو، زنان چون فاقد پیشینه حضور سیاسی و به عبارتی فاقد تجربه تاریخی در عرصه سیاست هستند، دچار فقدان الگوی اجتماعی گشته‌اند. به این معنا که زنان ایرانی در تبار تاریخی خود الگوی زن سیاستمدار و سیاست‌ورز ندارند و بر این اساس، برای ورود به این عرصه توانایی و جسارت لازم را در خود نمی‌بینند. بنابراین به نظر می‌رسد ورود دستگاه‌های متولی فرهنگ به این مسئله حائز اهمیت باشد.

۲. درخصوص میزان عاملیت سیاسی زنان در عرصه سیاست، یک الگوی هنجاری جهان‌شمول وجود ندارد. بدین معنا که فاقد یک معیار و میزان مشخص برای عاملیت زنان در عرصه سیاست در سطح جهانی هستیم؛ به طوری که حد مطلوب آن را نشان دهد و به نظر می‌رسد این مسئله تا حد زیادی متأثر از پیشینه تاریخی و فرهنگی هر جامعه است. به طور کلی در فرهنگ جامعه ایران جهت تصدی مناصب مدیریتی و سیاستی، دید مثبتی به زن وجود ندارد و این مسئله باعث شده است که زنان بیشتر در شغل‌های نیمه تخصصی زنانه متمرکز شوند و مشاغل کاملاً تخصصی در قبضه مردان باشد. در صورتی که براساس جهان‌بینی اسلامی، باید انسان را بدون در نظر گرفتن جنسیت، مورد توجه قرار گرفته شود. همچنین به حکم اصل عقلانی ضرورت «همسویی تشریح با تکوین»، اگر زنانی به لحاظ توانمندی‌های ذاتی یا اکتسابی، همانند مردان و یا در خصوصیات و وظایف نوعاً مردانه، بتوانند بهتر از نوع مردان ایفای نقش کنند، در چنین صورتی، نباید هیچگونه منعی برای تصدی مناصبی وجود داشته باشد که تجویز آنها برای نوع زنان مناسب نیست.

۳. ایجاد ممانعت برای حضور زنان در عرصه سیاست و تک جنسیتی شدن این عرصه، یکی از مهمترین دلایل افزایش تقابل‌های مخرب در فضای سیاسی و میدان قدرت است. یکی از معضلات دنیای کنونی حذف زنان از حوزه عمومی و منحصر کردن ایشان به حوزه خصوصی است که این امر موجب شده تا دنیای قدرت و سیاست از ویژگی‌های مادرانه مانند شفقت، مهربانی، صلح‌طلبی و جمع‌گرایی محروم شود. چنانچه در کنار مردان، زنان نیز حضوری مادرانه در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌ورزی‌های ملی و جهانی داشته باشند، صلح و مهربانی بر جوامع ملی و جهانی حاکم می‌شود، تعاملات هم‌افزایانه در قدرت و سیاست، جایگزین رویارویی‌های ویرانگر کنونی می‌گردد و به بیان دیگر مادرانگی از حوزه خصوصی به حوزه عمومی تسری می‌یابد.

به نظر می‌رسد چنانچه در دو حوزه بررسی ذهنیت مردان نسبت به ورود زنان به عرصه سیاست و ارائه راهکارهایی جهت تقویت فرهنگی مبتنی بر پذیرش حضور زنان در سپهر سیاست پژوهش‌هایی صورت گیرد، تا حد زیادی می‌تواند در زمینه بهبود ورود زنان به میدان قدرت راهگشا باشد.

یادداشت‌ها

۱- نگارندگان در مقاله‌ای با عنوان: سوژگی سیاسی زنان ایرانی (درک و تفسیر زنان از امر سیاسی) به این مسئله اشاره کرده‌اند.

۲- □□□□□□□□□□

۳- □□□□ □□□□□□

## ۴- Sexual Politics

۵- □□ □ □□□□□□□□□□□□□□□□

۶- □□□□□□□□ □□□□□□□□

۷- □□□□□ □□□□□□□□□□□□

۸- □□□□□□□□□□□□□□ □□ □□□□□□□□

۹- □□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□□□

۱۰- Raewyn Connell

۱۱- Dobash

کتابنامه

الف) منابع فارسی

- اصلانی فر، عصمت، بهرامی، هادی و اسد زاده، حسن (۱۳۹۷). اثربخشی گروه درمانی مثبت نگر در ارتقای تاب آوری و عزت نفس زنان مطلقه، فصلنامه تربیتی و فرهنگی زنان و خانواده، شماره چهل و دوم، صفحات ۱۱۱ - ۹۷.

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: انتشارات سخن.

- باقری، خسرو (۱۳۸۲). مبانی فلسفی فمینیسم، تهران: وزارت علوم.

- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- پهلوانی، الهام، گلستانی، محمود (۱۳۹۵). بررسی تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی)، نشریه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره هشتم.

- تانگ، رزماری (۱۳۸۷). درآمدی جامه بر نظریه‌های فمینیستی، منیژه نجم عراقی، تهران: نی.

- جنیدی، مریم، سنگی، لیلا (۱۳۹۷). موانع و چشم‌اندازهای مشارکت سوژه زنان در امر سیاسی ایران (نمونه مطالعاتی: دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی)، فصلنامه زن و جامعه، سال نهم، شماره سوم.

- حورایی، سید مجتبی (۱۳۹۷). اعتماد به نفس کلید موفقیت، تهران: انتشارات مولف.

- حیدری، زهرا، کشاورز شکری، عباس، غفاری هاشچین، زاهد، مرشدی زاد، علی (۱۳۹۷). موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی (مطالعه موردی: زنان نماینده مجلس)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول.

- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره پنجم، شماره دوم، ۱۸۶ - ۱۶۵.

- داوسون، ریچارد (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه مهدی جواهری فر، تهران: لاجورد.
- شاعی مقدم، یوکابه (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر انتظارات زنان شاغل متأهل از محیط کار و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- شییلی هاید، جانت (۱۳۸۴). روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری)، ترجمه اکرم خمسه، تهران: آگه.
- عظیمی مهر آبادی، معصومه بانو، مراد خانی، احمد (۱۳۹۷). قیومیت مرد بر زن دلیل خشونت در برابر ناشزگی زن، فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی، سال نهم، شماره سی و سوم، ۷-۳۰.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۹۳). تاریخ آل بویه، تهران: انتشارات سمت.
- فی، برایان (۱۳۸۱). فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی، خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- مافی، مهناز (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر تعارض نقش شغلی - خانگی زنان شاغل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرادی، علی (۱۳۹۷). مطالعه جامعه شناختی عاملیت زنان: مورد مطالعه شهر کرمانشاه، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره هفتم، شماره اول.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲). از نظریه تا جنبش اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: شیرازه.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مقصودی، سوده، بستان، زهرا (۱۳۸۳). بررسی مشکلات ناشی از همزمانی نقش‌های شغلی و خانوادگی زنان شاغل شهر کرمان، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره پنجم.
- نیکوکار، غلامحسین؛ فرهادی محلی، محمود؛ فرهادی محلی، علی؛ علی‌دادی تلخستانی، یاسر (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی خشونت شوهران علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه نظری ترکیبی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۲.
- وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۷). کنش اجتماعی زنان در جنگ جهانی اول و دستاوردهای آنان پس از جنگ در غرب (با تأکید بر حق رای زنان، فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، سال نهم، شماره دوم، ۱۷۹ - ۱۵۱).

(ب) منابع لاتین

- Ara, Fardaus (2019). Barriers to the Political Participation of Women: A Global Perspective, *Society & Change*, Vol. XIII, No.4, ISSN: 1997-1052 (Print), 227-202.
- Atkeson, L. R., & Rapoport, R. B. (2003). The more things change the more they stay the same: Examining gender differences in political attitude expression, 1952-2000. *The Public Opinion Quarterly*, 67(4), 495-521.
- Aycan, Z. (2005). " Relative contributions of childcare, spousal support and organizational support in reducing work-family conflict for men and women: The case of turkey". *Sex roles: a journal of Research*.
- Ciotti, Manuela (2009). The Conditions of Politics: Low-Caste Women's Political Agency in Contemporary North Indian Society, *Feminist Review* 91(1):113-134.
- Donaldson, M (1993). "What Is Hegemonic Masculinity?", *Theory and Society*, Special Issue: Masculinities, October 1993, 22(5), pp 643-657.
- Dunebar, Roxanne (1970). *Female liberation as a Basis for Social Revolution*, Aron Press.
- Fridkin, K. L., & Kenney, P. J. (2007). Examining the gender gap in children's attitudes toward politics. *Sex Roles*, 56(3-4), 133. doi:10.1007/s11199-006-9156-2.
- Gelles, R.J. & Straus, M.A. (1988). "Intimate Violence, The causes and Consequences of abuse in the American family". New York: Simon & Schuster.
- Gilligan, Carol (1993). *In a Different Voice*. London: Harvard University Press.
- Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1982). "Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry, *Educational Communication and Technology Journal* 30 (4), 233-252.
- Lorenzini, Jasmine; Bassoli, Matteo (2016). Gender ideology: The last barrier to women's participation in political consumerism?, *International Journal of Comparative Sociology*, Volume: ۵۶ □□□□□: ۶, □□□□(□): ۴۶۰-۴۸۳.
- Maguire, Sue (2018). *Barriers to Women Entering Parliament and Local Government*, Institute for Policy Research (IPR), University of BAHH.
- Millett, Kate (1970). *Sexual Politics*, Garden Sity, New York: Daubleday.
- Rhoads, Elizabeth (2012). Women's Political Participation in Indonesia: Decentralisation, Money Politics and Collective Memory in Bali, *Journal of Current Southeast Asian Affairs*, Volume: 31 issue: 2, page(s): 35-56.

- Sapiro, V. (1983). *The political integration of women: Roles, socialization and politics*. Urbana: University of Illinois P.
- Shames, Shauna (2015). *Barriers and Solutions to Increasing Women's Political Power*, New Jersey: Rutgers University-Camden.
- Tucker, K. K. (1999). *The impact of socialization on the political participation of women in the American political system*. (Masters of Arts). Clark Atlanta University, Atlanta, State of Georgia, U.S. Retrieved from.
- Walby, Sylvia (1990). "Theorising Patriarchy". Oxford: Basil Blackwell.